■ **رهبر انقلاب: کنگره آمریکا در سال‌های ۹۶ و ۹۷، ۲۲۶ طرح و لایحه علیه جمهوری اسلامی، یا تصویب کرده، یا ارائه کرده! ۲۲۶ طرح ضدیت و خباثت علیه جمهوری اسلامی؛ شرارت است دیگر. حالا البته اینجا من یک گله‌ای هم از مجلس خودمان بکنم؛ مجلس شورای اسلامی خودمان چند طرح و لایحه در مقابل خباثت‌های آمریکا ارائه کرده‌اند یا تصویب کرده‌اند؟**

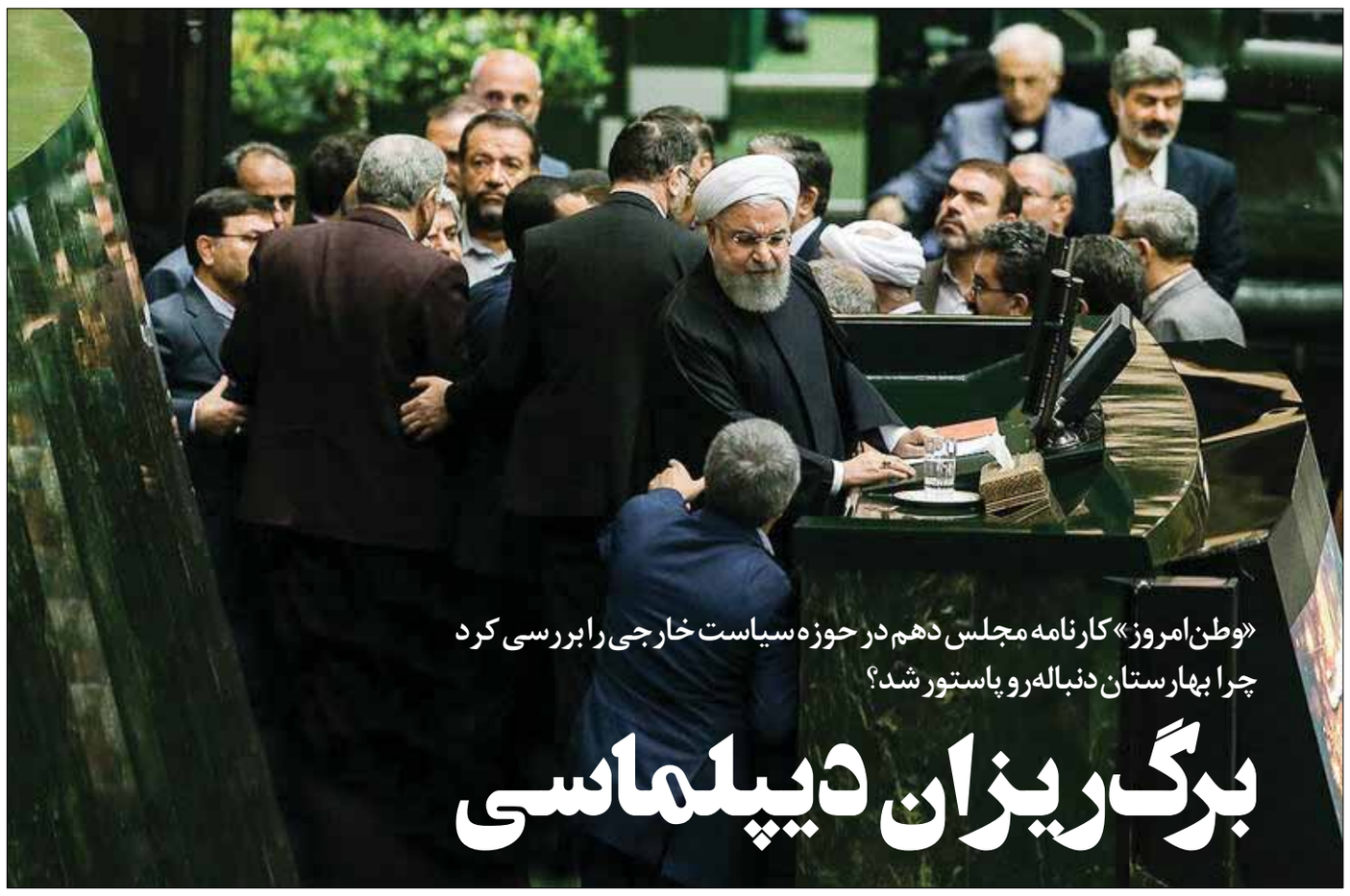

«وطن‌امروز» کارنامه مجلس دهم در حوزه سیاست خارجی را بررسی کرد
چرا بهارستان دنباله‌رو پاستور شد؟

برگ‌ریزان دیپلماسی

گروه سیاسی: در یک نگاه کلی می‌توان گفت مجلس دهم در طول ادوار مجالس پس از انقلاب اسلامی، عملکردی ضعیف و غیرقابل دفاع در حوزه سیاست خارجی داشته است.

به گزارش «وطن امروز»، در طول نزدیک به ۴ سال عملکرد مجلس دهم کمتر لایحه‌ای بود که مجلس درباره آن ان‌قلت آورده و آن را از نگاه کارشناسی و تخصصی چکش‌کاری کند. با اینکه تنوع و تکثر آرا در مجلس دهم مشهود بود اما مدیریت مجلس و نیز ضعف بنیادین نیروهای انقلابی در انسجام تصمیم‌گیری در مقابل جریان غربگرای درون مجلس بارها دردسرساز شد. در این دوره قریب به اتفاق لوایحی که دولت در حوزه‌های مرتبط با سیاست خارجی به مجلس فرستاد، بدون کمترین حاشیه و چالشی به تصویب بهارستان‌نشینان رسید؛ لوایح مرتبط با کارگروه ویژه مالی FATF از این جمله‌اند. در زمان بررسی لوایح مرتبط با این کارگروه، نظیر لایحه الحاق ایران به کنوانسیون پالرمو و لایحه الحاق ایران به کنوانسیون مقابله با تامین مالی تروریسم، مخالفت‌های گسترده‌ای در سطح کارشناسان و حتی مراجع عظام تقلید با این لوایح ابراز شد اما نمایندگان به جهت همراهی دولت ترجیح دادند صدای مراجع و کارشناسان را نشنوند و طرح را با اکثریت آرا تصویب کنند. از جمله آیت‌الله نوری‌همدانی مهرماه سال گذشته در سخنانی با اشاره به در دستور کار بودن بررسی قرارداد FATF از سوی مجلس شورای اسلامی گفت: این قرارداد که بررسی آن در دستور کار مجلس قرار گرفته، یکی از قراردادهای عبری، عربی و غربی است. وی با اشاره به مفاد این قرارداد یادآور شد: از طریق این قرارداد می‌خواهند برای مقابله با تروریسم قواعدی وضع کنند و همه در این باره همپیمان شوند ولی اختیار را به دست تحریم‌کنندگان ما و حامیان صهیونیست‌ها می‌دهند. آیت‌الله نوری‌همدانی بیان کرد: همپیمانان در این قرارداد اسرائیل کودک‌کش و عربستان سعودی را تروریست ندانسته‌اند ولی حزب‌الله لبنان را تروریست قلمداد می‌کنند؛ چنین قراردادهایی با هدف جلوگیری از پیشرفت نظام اسلامی پیگیری می‌شود. این مرجع تقلید تصریح کرد: مبادا FATF مانند برجام شود. وکلای مردم باید در خانه ملت مراقب باشند. در این میان حوزه علمیه نیز وظیفه دارد بیدار بوده و با تمام قوا با این قرارداد مخالفت کند.

همچنین آیت‌الله مکارم‌شیرازی تیرماه سال گذشته در پاسخ به نامه جمعی از اساتید درباره FATF نوشت: ناگفته پیداست چنین قراردادی یک قرارداد استعماری است و در تضاد با قوانین اسلامی و مخالف منافع مسلم ما است. در بخشی از پاسخ این مرجع تقلید به نامه اساتید در این باره آمده بود: «با توجه به توضیحاتی که داده‌اید، ناگفته پیداست چنین قراردادی یک قرارداد استعماری است و هدف تنظیم‌کنندگان، سلطه بر امضاکنندگان این قرارداد و نفوذ در امور اقتصادی آنهاست و در تضاد با قوانین اسلامی و مخالف منافع مسلم ما است و جای تعجب است که چگونه بعضی بدون مراجعه به مجلس و تصویب آن و تأیید از طرف شورای نگهبان اقدام به چنین کار خطرناکی کرده‌اند».

با همه این انتقادات مجلس دهم این لوایح را به تصویب رساند و حتی پس از ایرادات جدی شورای نگهبان به این دو لایحه، بر نظر خود پافشاری کرد تا این دو لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام برود. جالب آنکه پس از انتقادات هیات عالی نظارت مجمع تشخیص به CFT و پالرمو نیز برخی نمایندگان حامی دولت- چون علی مطهری- هجمه‌ای سنگین به جایگاه مجمع تشخیص را با عناوین عجیبی چون شورای نگهبان دوم در دستور کار قرار دادند.

از سوی دیگر از اردیبهشت‌ماه سال گذشته و بعد از خروج آمریکا از برجام که فشار حداکثری بر مردم و نظام را به دنبال داشت، باز هم شاهد رویکرد فعال و پیش‌دستانه‌ای از جانب مجلس نبودیم، چنانکه ۲۱ ماه از آن تاریخ و همراهی حداکثری کشورهای اروپایی با آمریکا گذشت و مجلس هیچ طرح قابل اعتنایی را در این باره ارائه نکرد.

در مجموع این رویکرد مجلس دهم در سیاست خارجی، انتقاد علنی رهبر معظم انقلاب از بهارستان را به دنبال داشت. مقام معظم رهبری اول فروردین‌ماه امسال در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی فرمودند: شرارت و شیطنت، طبیعت قدرت‌های غربی است، آمریکا و اروپا هم ندارد، البته آمریکا شرورتر است، شرارت آمریکا به دلایل مختلف بیشتر است، مخصوص این شخصی هم که حالا در رأس دولت آمریکاست، نیست، [بلکه] سیاست‌شان این است. به من گزارش دادند در همین قضایای اخیر، کنگره آمریکا- این آمار جالبی است- در سال‌های ۹۶ و ۹۷، ۲۲۶ طرح و لایحه علیه جمهوری اسلامی، یا تصویب کرده، یا ارائه کرده! ۲۲۶ طرح ضدیت و خباثت علیه جمهوری اسلامی؛ شرارت است دیگر. حالا البته اینجا من یک گله‌ای هم از مجلس خودمان بکنم؛ مجلس شورای اسلامی خودمان چند طرح و لایحه در مقابل خباثت‌های آمریکا ارائه کرده‌اند یا تصویب کرده‌اند؟ خب! پس این قدرت‌های غربی این [طور] هستند، از اینها انتظار نمی‌شود داشت.

■ **حکایت تلخ سلفی‌بگیران**

مردادماه سال ۹۶ و در حاشیه برگزاری مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری دوره دوازدهم، انتشار تصاویری از تقلای برخی نمایندگان فراکسیون امید برای گرفتن سلفی با موگرینی آن هم در صحن پارلمان جنجال‌ساز شد. این موضوع که به‌سرعت در رسانه‌های بیگانه نیز بازتاب یافت، موجی از بهت و خشم افکار عمومی را به دنبال داشت تا جایی که در روزهای بعد از آن بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی با هشتگ «سلفی حقارت» اعتراض خود را به این اقدام حقارت‌آمیز نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس نشان دادند. جعفری نماینده اصلاح‌طلب شیراز، رحیمی و احمد مازنی نمایندگان اصلاح‌طلب تهران و تعداد دیگری از اعضای فراکسیون امید مجلس از جمله نماینده‌های سلفی‌بگیر با موگرینی بودند. تبعات این اقدام نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس تا جایی پیش رفت که افراد بسیاری از اینکه در انتخابات مجلس دهم به لیست امید رای داده بودند نیز از این اقدام خود اظهار پشیمانی کردند.

یک هفته پس از این اتفاق، فرمانده وقت کل سپاه در مراسم بزرگداشت شهید حججی در اصفهان به تندی از این اقدام اعضای فراکسیون امید انتقاد کرد و گفت: شهادت شهید محسن حججی درست در همان روزهایی اتفاق افتاد که کشور ما متاسفانه شاهد یک تضعیف روحیه و یک حرکت سخیف و بسیار زشتی بود که توسط بعضی نمایندگان انجام شد؛ در همان مقطع خون این شهید به داد عزت ملی ما رسید و آن حرکت سخیف را خنثی کرد. سرلشکر جعفری ادامه داد: ما اگر به دنبال عزت هستیم، عزت را باید در قدرت الهی و در مردم خودمان و همچنین در اعتماد به مردم مومن و انقلابی و در شهدا و ایثارگرانی که نقشی تعیین‌کننده در کشور دارند جست‌وجو کرد. از سوی دیگر مرور مواضع ضدایرانی موگرینی در ۵ سال گذشته نیز خالی از لطف نیست. هر چند طی روزهای گذشته رسانه‌های دولتی و اصلاح‌طلب تلاش کردند با تیترهایی چون بانوی برجام، از او چهره‌ای نزدیک به ایران و زاویه‌دار با سیاست‌های آمریکا در قبال کشورمان نشان دهند اما مرور مواضع او در ۵ سال گذشته موید هماهنگی حداکثری موگرینی و اروپا با سیاست‌های ضدایرانی دولت ترامپ است؛ ادعاها درباره حقوق بشر، توان موشکی و منطقه‌ای ایران و برجام از جمله موضوعات مشترک میان آمریکا و اروپا در ۵ سال اخیر بود. موگرینی در پایان نشست وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۱۸ گفته بود: اتحادیه اروپایی در قبال ایران نگرانی‌های مشترکی با آمریکا دارد که از جمله آن می‌توان به برنامه موشکی و برخی موضوعات منطقه‌ای اشاره کرد. وی همچنین در اظهارنظری دیگر اظهار داشت: ما در جایگاه اتحادیه اروپایی قطعا می‌خواهیم به مسأله موشک‌های بالستیک ایران رسیدگی کنیم. مسؤول سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپایی همچنین سال گذشته در گزافه‌گویی بی‌اساس علیه کشورمان گفت: مولفه‌های منطقه‌ای برای صلح در منطقه حیاتی است و ما در این چارچوب، بحث رفتار منطقه‌ای ایران را که مایه نگرانی شدید همه اروپاست و باید حل شود، مورد بررسی قرار دادیم. علاوه بر موارد فوق، برجام را هم می‌توان مهم‌ترین مسأله کارنامه کاری مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی دانست؛ با نگاهی به مواضع موگرینی به این موضوع پی می‌بریم که هدف وی و به طور کلی اروپا در حفظ این توافق، تامین امنیت خودشان بوده و دنبال منافع ایران نبوده و نیستند. البته اشتباهات مجلس دهم در عرصه بین‌المللی تنها به سلفی حقارت‌آمیز با مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی محدود نبوده و نیست؛ چنانکه در بیش از ۳ سال گذشته شاهد بودیم با وجود تحرکات گسترده کنگره آمریکا در وضع قوانین و تحریم‌های ضدایرانی، مجلس شورای اسلامی آنگونه که باید و شاید نتوانست واکنشی درخور و بازدارنده داشته باشد.

■ **سکوت در برابر تصویب مادر تحریم‌ها**

علاوه بر موضوع FATF، موارد متعددی را می‌توان اشاره کرد که مجلس در قبال آنها موضع مقتدرانه‌ای را اتخاذ نکرد. این موضوع زمانی بیشتر به چشم می‌آید که بدانیم کمتر هفته و ماهی است که کنگره آمریکا علیه کشورمان مصوبه‌ای نداشته باشد. در یکی از آخرین اقدامات ضدایرانی کنگره، ۲۱ آذرماه گذشته نمایندگان ۲ حزب جمهوری‌خواه و دموکرات در پشتیبانی از اغتشاشات بنزینی در ایران، لایحه‌ای ارائه کردند. طبق گزارش روزنامه آمریکایی «واشنگتن‌تایمز»، کنگره آمریکا اعلام کرد این لایحه با هدف افزایش فشار بر حکومت ایران و با ادعای مقابله با سرکوب این اعتراضات از سوی حکومت این کشور عرضه شده است. در مقابل این رویکرد آمریکایی‌ها، موارد متعددی را می‌توان برشمرد که مجلس دهم در قبال مهم‌ترین موضوعات سیاست خارجی ایران سکوت کرده یا واکنش درخوری نداشته است.

۹ آبان سال ۹۶ قانون کاتسا- قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم- که به «مادر تحریم‌ها» یا سیاه‌چاله تحریم‌ها معروف است، اجرایی شد. قانون کاتسا قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم است که ایران، کره‌شمالی و روسیه را هدف گرفته است. این قانون راهبرد منطقه‌ای مقابله با تهدیدهای متعارف و غیرمتوازن ایران در خاورمیانه و شمال آفریقا، اعمال تحریم‌های بیشتر در پاسخ به برنامه موشک‌های بالستیک ایران، اعمال تحریم‌های مرتبط با تروریسم، اعمال تحریم‌های بیشتر در رابطه با اشخاص مسؤول در نقض حقوق بشر، اعمال تحریم‌های تسلیحاتی، تداوم تاثیر تحریم‌های مرتبط با حمایت ایران از تروریسم، گزارش درباره هماهنگی تحریم‌ها میان ایالات متحده و اتحادیه اروپایی و گزارش درباره شهروندان آمریکایی بازداشت‌شده در ایران را شامل می‌شود. گفتنی است قانون کاتسا چهارم مرداد ۹۶ در مجلس نمایندگان آمریکا با ۴۱۹ رای موافق و تنها ۳ رای مخالف به تصویب رسید و یک هفته بعد توسط دونالد ترامپ تایید و به قانون تبدیل شد. قانون کاتسا نسخه اصلاح شده طرحی بود که پنجشنبه ۲۷ خرداد ۹۶، در سنای آمریکا به بهانه آنچه مقابله با اقدامات ثبات‌زدای ایران نامیده می‌شد، با ۹۸ رای به تصویب رسیده بود. با این حال واکنش قاطعی از نمایندگان مجلس به این اقدام خصمانه آمریکایی‌ها گزارش نشده است.

موضوع مهم دیگر در حوزه سیاست خارجی که در دوره مجلس دهم رخ داد، خروج یکجانبه آمریکا از توافق هسته‌ای در اردیبهشت ۹۷ بود. ترامپ با این اقدام، تمام تحریم‌هایی را که در جریان توافق برجام تعلیق شده بود، بازگردانده و موج تازه‌ای از فشارهای حداکثری بر مردم ایران را در دستور کار قرار داد. در واکنش به این اقدام آمریکا، تعدادی از نمایندگان مجلس ضمن سر دادن شعار مرگ بر آمریکا، پرچم این کشور را در صحن به آتش کشیدند. بگذریم که حتی همین اقدام نمادین نمایندگان نیز انتقاد برخی اعضای فراکسیون امید مجلس را به دنبال داشت! همچنین علی لاریجانی نیز در نطق خود، سخنان دونالد ترامپ درباره ایران را «خام» و «سخیف» خواند و او را فردی فاقد کفایت عقلانی لقب داد و تاکید کرد ایران می‌تواند او را سر عقل بیاورد.

با خروج آمریکا از برجام و در شرایطی که عموم کارشناسان بر همراهی اروپا با آمریکا تاکید و نسبت به توفیق ایده برجام اروپایی تردید داشتند، دستگاه سیاست خارجی دولت مذاکرات با ۳ کشور اروپایی را در دستور کار قرار داد. مذاکراتی که قرار بود صرفا چند هفته و در نهایت ۲ ماه طول بکشد، بیش از یک سال کش داده شد و در نهایت هم به دستاورد ملموسی برای اقتصاد ایران نرسید. نمایندگان دوره دهم مجلس نیز که در سایر موضوعات، همراهی حداکثری با دولت روحانی را مبنا قرار داده بودند، با این موضوع نیز همراهی کرده و اعتراض جدی‌ای به روند خسارت بار مذکور نشان ندادند. در نهایت اروپا که قرار بود ۱۳ آبان ۹۷ بسته اقتصادی ویژه خود را با عنوان SPV به ایران ارائه دهد، با تاخیر چندباره موعد انجام تعهداتش، بهمن‌ماه سال گذشته از سامانه‌ای کاغذی موسوم به اینستکس رونمایی کرد؛ شرکت ذی‌حسابی‌ای که قرار بود در ازای پول نفت ایران، کالاهای بشردوستانه چون غذا و دارو را که مشمول تحریم‌های آمریکا هم نبودند به ایران تحویل دهد. هر چند در قبال این بی‌تعهدی و وقت‌کشی اروپا، برخی اعضای کمیسیون امنیت ملی که غالبا از اعضای فراکسیون ولایی مجلس بودند (از جمله ذوالنور، نقوی‌حسینی و حسن‌بیگی) موضع‌گیری‌های قابل قبولی داشتند اما کلیت مجلس هیچ‌گونه اقدام بازدارنده‌ای را رقم نزد، از جمله اینکه تلاشی برای تغییر رویکرد و مسیر دستگاه دیپلماسی انجام نداد.

واکنش مجلس به تمام این اقدامات خصمانه، یا اقدامات نمایشی و نمادین بود یا موضع‌گیری‌های فردی برخی نمایندگان اما چنانکه ذکر شد اقدام قاطعی برای مجاب کردن دولت انجام نشده، چرا که به اعتقاد کارشناسان، مجلس دهم تابعی از دولت بود و به لحاظ ذاتی نمی‌توانست نقش نظارت و بازدارندگی خود را در قبال رویه‌های ناصواب دولت اجرایی کند. از این رو انتقادات جدی به مجلس دهم به خاطر عدم تامین منافع ملی و توجه به عزت ایرانیان وارد بوده و بر همین اساس انتظار می‌رود این رویه در مجلس آتی مورد تجدیدنظر جدی قرار گیرد.

دکتر منوچهر محمدی، معاون اسبق وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با «وطن امروز»:

مصوبات مجلس همان چیزی بود که دولت می‌خواست

گروه سیاسی: با نزدیک شدن به موعد برگزاری یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، عملکرد ۴ ساله مجلس دهم زیر ذره‌بین افکار عمومی و رسانه‌ها قرار دارد. هر چند عمده انتقادات به مجلس دهم در حوزه‌هایی چون اقتصاد یا همراهی بی‌چون و چرا با دولت است اما به نظر می‌رسد این دوره از مجلس در حوزه سیاست خارجی نیز کم‌اشتباه نبوده است. جهت بررسی این بخش از عملکرد مجلس دهم با دکتر منوچهر محمدی، معاون پیشین وزارت امور خارجه و رئیس گروه علوم سیاسی موسسه امام‌خمینی(ره) گفت‌وگویی کردیم.

***

■ **ارزیابی کلی شما از عملکرد مجلس دهم در حوزه سیاست خارجی چیست؟**

مجلس دهم سیاست خارجی مشخصی نداشت و بیشتر تابع دولت بود، بویژه که این هماهنگی بین رئیس مجلس با رئیس دولت بیشتر بود، بنابراین ما چهره شاخصی از مجلس دهم در حوزه سیاست خارجی نداشتیم. البته این اواخر که آقای ذوالنور، رئیس کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی مجلس شد، یک مقدار شخصیت مستقل مجلس بروز یافت ولی در عمل مصوباتی که در مجلس شاهدش بودیم، همه مصوباتی بود که دولت می‌خواست. مثل همین لوایح مرتبط با کارگروه ویژه مالی نظیر پالرمو و سی‌اف‌تی. هیچ جایی ما ندیدیم که مجلس دهم با رویکرد دولت مخالفتی داشته باشد یا در برابر موضع‌گیری‌های غلطی که هم آقای روحانی و هم آقای ظریف داشتند، مقابله و اصلاحی داشته باشد.

■ **رهبر معظم انقلاب در سخنان ابتدای سال خود در حرم رضوی از رویکرد مجلس در سیاست خارجی انتقاد کردند و فرمودند: «در همین قضایای اخیر، کنگره آمریکا- این آمار جالبی است- در سال‌های ۹۶ و ۹۷، ۲۲۶ طرح و لایحه علیه جمهوری اسلامی، یا تصویب کرده، یا ارائه کرده! ۲۲۶ طرح ضدیت و خباثت علیه جمهوری اسلامی؛ شرارت است دیگر. حالا البته اینجا من یک گله‌ای هم از مجلس خودمان بکنم؛ مجلس شورای اسلامی خودمان چند طرح و لایحه در مقابل خباثت‌های آمریکا ارائه کرده‌اند یا تصویب کرده‌اند؟» نظر شما درباره این موضوع چیست؟**

بله! خاطرم هست. به طور کلی مجلس دهم در حوزه سیاست خارجی خنثی بود و عملکرد شاخص و موثری نداشت.

■ **عملکرد مجلس دهم در حوزه پیگیری مطالبات ایران در برجام را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

در این زمینه هم مجلس به نظرم خنثی عمل کرد. هرچند اصل تصویب برجام مربوط به مجلس نهم بود. ولی مجلس دهم هم موضع‌گیری خاصی در این‌باره نداشت، یعنی نه از سوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و نه رئیس مجلس و نه در صحن، مطلقا مخالفتی با برجام یا موارد بدتر از آن مانند ماجرای سند ۲۰۳۰، پالرمو و FATF نشد.

■ **علت اصلی این رویکرد مجلس دهم را چه می‌دانید؟**

علت اصلی این بود که آدم‌های لایقی به این دوره مجلس نرفته بودند. یا می‌توان گفت آدم‌های لایق این دوره خیلی تعدادشان کم بود. بیشتر نمایندگان این دوره نه انقلابی بودند و نه رویکردهای کارشناسی داشتند. صرفا به دنبال برداشتن سهم خود از سفره انقلاب بودند، این طیف هم شامل گروه نزدیک به آقای لاریجانی بود و هم مربوط به گروه نزدیک به آقای عارف. این دو گروه به‌رغم رقابت‌هایی که در برخی مسائل با هم داشتند ولی در حوزه تخصصی سیاست خارجی، مطلقا هیچ‌گونه نظر انقلابی نداشتند.

■ **به نظر شما مجلس آینده چه اولویت‌هایی را باید در حوزه سیاست خارجی پیگیری کند؟**

مجلس یازدهم باید واقعا بیاید و انقلابی وارد قضیه شود و خرابکاری‌های این دوره را اصلاح کند. مجلس بعدی باید موضع قاطعانه در مقابل آمریکا بگیرد و به دولت هم تفهیم کند مذاکره با آمریکا غلط است و معنا و مفهومی ندارد.

■ **مجلس یازدهم درباره اصلاح رویه‌ای که در برجام بر کشور تحمیل شد، چه اقداماتی را باید در دستور کار قرار دهد؟**

اولا اینکه برجام به نظر من مرده است. چیزی که مرده است دیگر حرفی برای گفتن ندارد و نیاز ندارد برای احیای آن اقداماتی انجام شود. یک پیشنهاد به مجلس بعد می‌تواند این باشد که چنانچه اروپایی‌ها تصمیم گرفته‌اند مکانیسم ماشه را اجرایی کنند، مجلس هم نه‌تنها باید از برجام بیرون بیاید، بلکه باید دولت را مجاب کند از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) هم خارج شود. یک پیشنهاد دیگر به مجلس هم این است که لوایح استعماری مرتبط با FATF چون پالرمو و CFT را از مجمع تشخیص بازگرداند و مجددا آنها را مورد بررسی قرار دهد.

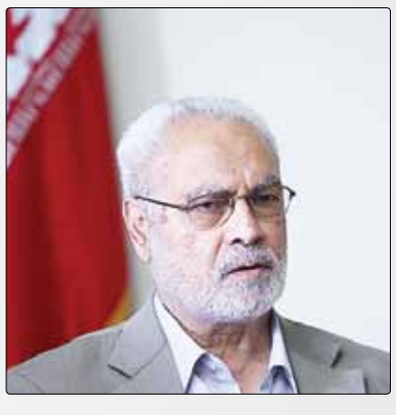

«مقاومت» و «سازش» چه دنیاهایی می‌سازند؟

گروه سیاسی: انتخابات مجلس شورای اسلامی ۳ روز دیگر برگزار می‌شود. این یازدهمین دوره انتخابات مجلس پس از پیروزی انقلاب است که مردم پای صندوق رای آمده و نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند. به گزارش «وطن امروز»، آرایش انتخاباتی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در انتخابات پیش رو بیانگر صف‌آرایی ۲ جبهه گفتمانی در برابر یکدیگر است؛ جبهه‌ای که می‌توان آن را درون گفتمان مقاومت تعریف کرد و در مقابل، جبهه وابسته به گفتمان سازش که در سال‌های اخیر نیز نمایندگان این گفتمان، قوه اجرایی را در اختیار داشته‌اند. این دو جبهه ظهور و بروز متفاوتی در شرایط و موقعیت‌های مختلف داشته‌اند.

۱- اصلی‌ترین مولفه گفتمانی جبهه مقاومت را می‌توان حول مفهوم عزت و خوانش آنان از این مفهوم ساختاربندی کرد. عزت در مفهوم گفتمانی وابستگان به این جبهه معنای نفی همزمان ستمگری و ستم‌پذیری را دارد. وقتی مفهوم عزت با قرائتی که از آن شد، دال مرکزی رفتار سیاسی اعضا و حامیان این گفتمان قرار می‌گیرد، مناسبات آنان در عرصه داخلی و خارجی شکل منحصر به خود را پیدا می‌کند. انعکاس این مفهوم در عرصه سیاست داخلی، تقویت ارزش‌هایی چون اتکا به داخل، اعتماد به نفس عمومی، نهراسیدن از هیبت دشمن و مولفه‌هایی مانند آن را به بار می‌آورد.

۲- در عرصه سیاست خارجی نیز وقتی عزت دال مرکزی گفتمان مقاومت قرار بگیرد، ادبیات و رفتاری را تولید می‌کند که هسته اصلی آن مقابله با ستمگری مستکبران و احقاق حقوق مردم است. در چارچوب گفتمان عزت است که «مذاکره همراه با تهدید» مردود شمرده می‌شود. از سوی دیگر حمایت از جریان‌های مقاومت در چارچوب همین گفتمان قابل فهم است. اگر چه حمایت از مستضعفان چارچوب گفتمانی دارد اما در درون خود منافع ملی کشور را نیز تامین می‌کند. نمونه بارز آن تحولات منطقه است. جنگ و آشوب در کشورهایی چون افغانستان، عراق، سوریه، یمن و برخی دیگر از کشورهای منطقه برای بر هم زدن نظم مقاومت منطقه بوده است. بر هم خوردن جبهه مقاومت منطقه‌ای، نتیجه‌ای جز تضعیف ایران و کشیده شدن آشوب‌ها به داخل مرزهای ایران ندارد. حمایت ایران از مقاومت منطقه در برابر نقشه‌های کشورهای غربی، در وهله اول نتیجه‌اش به نفع مردم همان کشورها با استقرار دولت‌های ضداستکباری و استقلال‌خواه شد و در مرحله بعد سود آن متوجه ایران شد؛ چه مرزهای مقاومت را صدها کیلومتر آن طرف‌تر از مرزهای جغرافیایی ایران قرار داد.

۳- در عرصه اقتصادی، حامیان گفتمان مقاومت، عزت کشور را در اجرا و تحقق استراتژی اقتصاد مقاومتی می‌دانند. یکی از مهم‌ترین بازنمودهای عزت، تحقق عزت ملی در عرصه اقتصادی است. همان‌طور که اقتصاد قوی پایه مستحکمی برای تحقق عزت نفس عمومی به حساب می‌آید، اقتصاد ضعیف نیز به عزت عمومی جامعه آسیب می‌زند. نتیجه تحقق ظلم‌ناپذیری و مقاومت در برابر هضم شدن در اقتصاد جهانی، مبانی یک اقتصاد بومی است؛ اقتصادی که نمی‌خواهد پروژه‌ای از پروژه‌های وال‌استریت باشد.

■ **گفتمان سازش چه تأثیری بر اقتصاد و سیاست می‌گذارد؟**

الف- اصلی‌ترین مفهوم گفتمان سازش تنش‌زدایی است؛ تنش‌زدایی به منظور ایجاد یک شرایط آرام در راستای کسب امتیازات و تحقق خواسته‌ها. البته حامیان این گفتمان معتقدند اگر استراتژی تنش‌زدایی محقق شود، طرف مقابل نیز به خواسته‌های خود دست پیدا می‌کند. در سیاست داخلی این ادبیات گفتمان جدیدی را خلق کرده است؛ گفتمان اعتدال که آن را می‌توان ادامه همان گفتمان اصلاحات دانست که جلوه تحقق گفتمان سازش در جامعه است. هر چند پایه تنش‌زدایی ایجاد یک محیط آرام و به دور از تنش است اما به علت خلأهای تئوریک این گفتمان، در حوزه سیاسی نه‌تنها آرامش محقق نشد، بلکه تنش‌های سیاسی به اوج خود رسید؛ رئیس‌جمهور تا مرز استیضاح و استعفا پیش رفت، ادبیات زننده با منتقدان دولت در این دوره بی‌سابقه بوده است و فشار برای بستن دهان منتقدان یکی دیگر از رکوردهایی بوده که این دولت به نام خود ثبت کرده است. البته تنش و چالش تنها به عرصه حضور خواص سیاسی محدود نبوده، بلکه به بدنه مردم نیز کشیده شده است. حداقل در ۲ بازه زمانی دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸، این تنش را در عموم مردم جامعه شاهد بودیم.

ب- اما علت اصلی تنش‌های داخلی، ناکارآمدی در حوزه سیاست خارجی و اقتصاد بوده است. در حوزه سیاست خارجی گفتمان سازش نه‌تنها کسب آرامش نکرد، بلکه وادادگی در قبال قدرت‌های خارجی شرایط بی‌سابقه‌ای را از جهت بر هم خوردن امنیت کشور رقم زد. یکی از علل ترور سردار قاسم سلیمانی توسط آمریکا را می‌توان تصور آمریکایی‌ها از احساس ضعف ایران در برابر کشورشان عنوان کرد. این تصویر چندان هم بیراه نبوده است، چرا که سیاست‌های دولت اعتدال چنین پیامی را برای آنان ارسال کرده است. اگر واکنش مقتدرانه سپاه پاسداران به ترور حاج قاسم سلیمانی نبود، حوادثی مانند حادثه شهادت سردار سلیمانی در آینده نیز تکرار می‌شد. سیاست خارجی دولت نه‌تنها دستاوردی نداشته، بلکه مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی را نیز در برخی حوزه‌ها سوزانده است. بازی با برگه توان هسته‌ای کشور در مذاکرات چه عایدی‌ای برای مردم داشت؟ صنعت هسته‌ای کشور در نتیجه سیاست‌ورزی ساده‌لوحانه با غرب، به یک برنامه کوچک هسته‌ای تبدیل شد و مابه‌ازای اقتصادی آن نیز هیچ وقت محقق نشد.

پ- در حوزه اقتصادی نیز همین ماجرا تکرار شده است. در گفتمان سازش اقتصاد در هماهنگی کامل با سیاست خارجی است. در نظر حامیان این گفتمان، اگر سیاست خارجی موفق شود، اقتصاد نیز موفق خواهد بود و اگر این موفقیت حاصل نشود، برنامه‌های اقتصادی نیز عملا وجود نخواهد داشت. وضعیت کشور در ۶ سال گذشته شاهد مثال این گزاره است.

پیوند زدن کامل اقتصاد به سیاست خارجی، عملا کشور را در زمینه اقتصادی قفل کرد. واکنش‌های مردم به این بی‌برنامگی و ناکارآمدی اقتصادی در تاریخ جمهوری اسلامی بی‌سابقه بوده است. واکنش‌هایی که گاه به کف خیابان‌ها در قالب اعتراضات علنی نیز کشیده شد.

اما تحقق گفتمانی در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی منوط به چیست؟ یکی از شروط اساسی محقق شدن گفتمان در جمهوری اسلامی، ترویج آن گفتمان توسط ساختارهای سیاسی است. وقتی قوه مجریه در اختیار نمایندگان گفتمان سازش باشد، سیاست‌های آن که بر جامعه تاثیر مستقیم می‌گذارد، همان ویژگی را دارد که در موارد بالا گفته شد. یا اگر نهاد قانونگذاری در اختیار نمایندگان حامی گفتمان سازش باشد، وضعیت فعلی لاجرم تداوم پیدا خواهد کرد. در سال‌های اخیر، یکدستی کاملی میان قوه مجریه و قوه مقننه در جهت ترویج و تقویت گفتمان سازش به وجود آمد. آیا انتخابات دوم اسفند نقطه آغاز تغییر وضع موجود خواهد بود؟